



## کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو

سیده عاطفه بقایی<sup>۱\*</sup>

مهرداد نغزگوی کهن<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله به بررسی انواع کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو براساس رده‌شناسی دکلرک و رید (۲۰۰۱) پرداختیم. در رده‌شناسی معنایی مذکور انواع جملات شرطی بر اساس نوع جهان ممکن بند شرط عبارت‌اند از: شرطی‌های حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی. جمله‌ی شرطی متعارف از یک کلمه‌ی ربط شرطی برای نشان‌دار کردن ساخت شرطی در ابتدای بند شرط استفاده می‌کند. پیکره‌ی این مقاله مشتمل بر ۳۶۴۸ جمله‌ی شرطی بوده است که از ۱۱۰ کتاب از قرون چهارم تا چهاردهم هجری قمری استخراج شده است. در زبان فارسی نو از کلمات ربط مختلفی در نقش کلمه‌ی ربط شرطی استفاده شده است که عبارت‌اند از: «اگر، اگرچه، اگر نه، اگه، تا، که، آنگاه که، ولو، فرضاً، همین که، در صورتی که، و آلا، گر، هرگاه، چون و...». براساس محاسبات آماری بر روی کلمات شرطی با بسامد بالاتر از پنجاه به این نتیجه رسیدیم که بین انواع جهان‌های ممکن شرط و انواع کلمات ربط شرطی گرایش‌های مشخصی وجود دارد.

**کلید واژه‌ها:** ساخت شرطی، رده‌شناسی، کلمه‌ی ربط شرطی، جهان ممکن، فارسی نو

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) | abaghaei1389@yahoo.com

۲- دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا | mnkohan@yahoo.com

## ۱- مقدمه

مطالعه‌ی ساخت‌های شرطی به زمان فلاسفه‌ی یونان و ارسطو برمی‌گردد. این ساخت‌ها همواره مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در زمینه‌های مختلف قرار داشته‌اند و از فلاسفه و منطقیون تا روان‌شناسان و زبان‌شناسان هریک از منظر خویش به بررسی آنها پرداخته‌اند. جمله‌ی شرطی جمله‌ای مرکب است که از دو بند پایه و پیرو تشکیل می‌شود که این بندها به ترتیب بندهای جزای شرط<sup>۱</sup> و شرط<sup>۲</sup> هستند و اغلب با کلمه‌ای به عنوان کلمه‌ی ربط شرطی نشان‌دار<sup>۳</sup> می‌شوند. همان‌طور که گرینبرگ<sup>۴</sup> نشان داده است در همه‌ی زبان‌ها، گرایش غالب در وجود کلمه‌ی ربط شرطی برای نشان‌دار کردن ساخت شرطی است، اما در بعضی از زبان‌ها وجود چنین کلمه‌ای اجباری است. این کلمه در حالت متعارف در ابتدای بند شرط قرار می‌گیرد. در برخی از زبان‌ها کلمه‌ای نیز در ابتدای بند جزای شرط قرار می‌گیرد که البته در زبان‌ها ساخت رایجی محسوب نمی‌شود (گرینبرگ، ۱۹۶۳: ۸۱). در زبان فارسی نیز ساخت شرطی متعارف متشکل از دو بند شرط و جزای شرط و کلمه‌ی ربط شرطی در ابتدای بند شرط است؛ گرچه این ساخت تنها ساخت شرطی موجود در زبان فارسی نیست و در این زبان ساخت‌های شرطی غیرمتعارف نیز وجود دارد که در آنها ممکن است هریک از چهار حالت تقدم بند جزای شرط بر شرط، وجود نداشتن کلمه‌ی ربط شرطی، بند جزای شرط محذوف و وجود کلمه‌ی ربط در ابتدای بند جزای شرط روی دهد. با توجه به اهمیت مطالعه‌ی ساخت شرطی و از آنجا که در زبان فارسی مطالعه‌ی رده‌شناختی و پیکره‌بنیاد در این زمینه صورت نگرفته است، در این مقاله براساس چارچوب نظری دکلرک<sup>۵</sup> و رید<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) که چارچوبی رده‌شناختی و معنایی است، به بررسی انواع کلمات ربطی می‌پردازیم که در زبان فارسی نو در نقش کلمه‌ی ربط شرطی به کار رفته‌اند. در بخش‌های بعد به ترتیب به بررسی مطالعات پیشین در زمینه‌ی کلمات ربط شرطی در زبان فارسی، رده‌شناسی ساخت‌های شرطی، روش انجام پژوهش، تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

## ۲- مطالعات پیشین

از نظر وحیدیان کامیار (۱۳۶۴) کلمات ربط شرطی که معمولاً در آغاز وابسته می‌آیند عبارت‌اند از: «اگر»، چنانچه، هرگاه، در صورتی که، بشرطی که، بشرط آنکه، بشرط اینکه، مشروط بر اینکه، وگرنه و الا». طبق نظر نجفی (۱۳۷۴) «که» برای بیان شرط به معنای «اگر» خواهد بود و در این کاربرد «که» پیش از فعل به وجه التزامی می‌آید؛ مانند «آلمان‌ها هزار تا از این کشتی‌ها را هم که غرق بکنند، عاقبت انگلیس‌ها خردشان می‌کنند». وی معتقد است این معنی در متون قدیم و فارسی ادبی نیز به کار رفته است؛ مانند «قبحه‌ی پیر از

- 
1. apodosis
  2. protasis
  3. marked
  4. J. Greenberg
  5. R. Declerck
  6. S. Reed.

نابکاری چه کند که توبه نکند؟». «که» برای بیان جزای شرط همراه با «اگر» در آغاز جمله‌ی شرطی می‌آید. در این کاربرد، ساخت عبارت به این صورت است که حرف «که» در آغاز جمله‌ی دوم می‌آید و جمله‌ی اول یا مقدم<sup>۱</sup> با حرف ربط «اگر» آغاز می‌شود. نجفی در توجیه ساخت این عبارت گفته است که «اگر که» مجموعاً یک حرف ربط مرکب است که جمله‌ی پیرو در میان آن قرار گرفته است؛ مانند «اگر دموکراسی این است که من همه‌ی عمرم دموکرات بوده‌ام». ابوالقاسمی (۱۳۷۵) ساخت جمله‌ی پیرو شرطی در فارسی دری را با «اگر، ار یا گر» می‌داند و خاطر نشان کرده است که در ساخت جمله‌های شرطی از مفردات و مرکب‌های دیگری نیز استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: «آلَا، گرآنکه، اگرزانکه، با آن / این شرط، این شرط... که، جز آنکه، چو، چون، چه...یا، خواه...خواه، در صورتی که، مگر، هرگاه و...» (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۴۱۲-۴۱۰). ماهوتیان (۱۳۷۸) بیان می‌کند که بند شرط عمدتاً با «اگه» شروع می‌شود و قبل از بند پایه می‌آید. علاوه بر آن «چنانچه» حرف ربط دیگری است که کمتر به کار می‌رود و رسمی‌تر است و بند قیدی دارای این حرف ربط نیز قبل از بند پایه می‌آید مانند جمله‌ی «چنانچه فرصت دارید برید تبریز». بند شرطی منفی را می‌توان با «مگه اینکه» شروع کرد و پس از بند پایه قرار داد و یا با «تا» آغاز کرد و آن را قبل از بند پایه آورد. وی نمونه‌های «کلیدو بهش نده مگه اینکه پولو بهت بده» و «تا شام نخوری دسر بهت نمی‌دم» را به‌عنوان شاهد آورده است (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۴۷). بقایی (۱۳۹۶الف) به بررسی جهان‌های ممکن بند شرط در کتاب «نیرنگستان» اثر صادق هدایت بر اساس چارچوب نظری دکلرک و رید (۲۰۰۱) پرداخته است. از نظر وی کلمات ربط شرطی که در کتاب مذکور استفاده شده‌اند عبارت‌اند از: «اگر، هرگاه، تا، که، هرآینه، شرطش اینست که، وگرنه، وقتی که و بمحض اینکه». بقایی (۱۳۹۶ب) با بررسی ساخت صوری جملات شرطی کتاب «قاپوس‌نامه» به این نتیجه رسیده است که در همه‌ی جمله‌های بررسی شده، کلمه‌ی ربط شرطی وجود داشته و هیچ جمله‌ای بدون کلمه‌ی ربط شرطی بیان نشده است. کلمات ربط شرطی که وی به آنها متذکر شده است عبارت‌اند از: «اگر، چون، تا، وگرنه، کاشکی، گر، اگرچه و که» که از این میان نیمی از جملات با کلمه‌ی ربط شرطی «اگر» بوده‌اند (بقایی، ۱۳۹۶ب). بقایی (۱۳۹۶ج) در بررسی جملات شرطی کتاب عامیانه‌ی «علویه خانم» اثر صادق هدایت از کلمات ربط «اگر، اگه، که، تا، هر، آلا، وگرنه، هروقت» به‌عنوان کلمه‌ی ربط شرطی در این کتاب نام برده است.

### ۳- رده‌شناسی ساخت‌های شرطی

ساخت‌های شرطی از نظرهای مختلفی بررسی شده‌اند. در مطالعه‌ی این ساخت، معیارهای مختلفی مورد توجه زبان‌شناسان و پژوهشگران قرار داشته است؛ بنابراین طبقه‌بندی متنوعی نیز درباره‌ی این موضوع وجود دارد. برخی از پژوهشگران، ساخت شرطی را از نظر صوری و ساخت دستوری بررسی کرده‌اند. برخی دیگر این ساخت را از نظر معنایی تحلیل کرده و برخی نیز تلفیقی از این روش‌ها را به کار برده‌اند. البته ذکر این

1. antecedent

نکته ضروری است که فلاسفه هم در این بین نقش شایانی داشته‌اند و آنها نیز ساخت شرطی را از نظر خود مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به عبارت دیگر آنها اغلب به مطالعه‌ی رابطه‌ی بین گزاره‌های جملات و تحلیل منطقی آنها پرداخته‌اند. در این بخش ابتدا به بررسی برخی از طبقه‌بندی‌هایی که زبان‌شناسان ارائه کرده‌اند می‌پردازیم و سپس چارچوب نظری این مقاله بررسی خواهد شد. شاتر<sup>۱</sup> شرطی‌ها را به دو طبقه‌ی واقعی<sup>۲</sup> و غیرواقعی<sup>۳</sup> تقسیم کرده است. شرطی‌های واقعی به موقعیت‌هایی اشاره دارند که در جهان واقعی روی می‌دهند و می‌توانند شرطی‌های حال، گذشته و عمومی<sup>۴</sup> باشند. شرطی‌های غیرواقعی نیز به آینده و تخیلی تقسیم می‌شوند و شرطی‌های تخیلی مشتمل بر دو نوع هستند که عبارت‌اند از شرطی‌های ضدحقیقی<sup>۵</sup> و شرطی‌های فرضی<sup>۶</sup> (اسکتر، ۱۹۷۱: ۶۷-۶۳). طبق نظر آتاناسیادو<sup>۷</sup> و دیرون<sup>۸</sup> شرطی‌ها در سه دسته‌ی کلی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: شرطی‌های رویدادی که در آنها اغلب دو رویداد یا وضعیت همزمان بیان می‌شوند، شرطی‌های فرضی و شرطی‌های کاربردی (آتاناسیادو و دیرون، ۱۹۹۷: ۶۱-۶۲). براساس نظر مورسیا<sup>۹</sup> و فریمن<sup>۱۰</sup> نیز شرطی‌ها در سه طبقه‌ی اصلی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از شرطی‌های حقیقی، آینده و تخیلی. طبق نظر آنها شرطی‌های حقیقی می‌توانند بدون زمان یعنی خارج از محدوده‌ی زمانی باشند یا بیان‌گر عادات یا حقایق علمی باشند یا اینکه می‌توانند مقید به زمان باشند، یعنی به زمان‌های حال، گذشته یا زمان‌های دیگر اشاره کنند (مورسیا و فریمن، ۱۹۹۹). از نظر فینتل<sup>۱۱</sup> شرطی‌ها در دو نوع اصلی شرطی اخباری و التزامی یا ضدواقعی قرار می‌گیرند. منظور از شرطی اخباری شرطی است که در آن درستی بند شرط به نوعی مشخص است، در حالی که در التزامی بند شرط درست نیست. اما آنچه مسلم است این است که در شرطی التزامی، ضدواقعی بودن همواره به‌عنوان بخشی از معنا منتقل نمی‌شود (فینتل، ۲۰۱۱). چارچوب نظری این مقاله که براساس چارچوب نظری دکلرک و رید، است چارچوبی رده‌شناختی و معنایی است و طبقه‌بندی انواع ساخت شرطی براساس معنای ساخت شرطی و براساس نوع جهان ممکن<sup>۱۲</sup> بند شرط صورت می‌گیرد. طبق رده‌شناسی آنها جهان ممکن بند شرط در وهله‌ی اول می‌تواند جهان حقیقی<sup>۱۳</sup> یا نظری<sup>۱۴</sup>

- 
1. J. Schachter
  2. real
  3. unreal
  4. generic
  5. counterfactual
  6. hypothetical
  7. A. Athanasiadou
  8. R. Dirven
  9. M. Murcia.
  10. D. Freeman
  11. K. Fintel
  12. possible worlds
  13. factual
  14. theoretical

باشد. اگر جهان ممکن نظری باشد، می‌تواند خنثی<sup>۱</sup> یا غیرخنثی<sup>۲</sup> باشد. چنانچه جهان ممکن بند شرط از نوع غیرخنثی باشد، خود می‌تواند بسته<sup>۳</sup>، باز<sup>۴</sup>، غیرقطعی<sup>۵</sup> و ضدحقیقی باشد. تفاوت بین شرطی‌های با بند شرط حقیقی و نظری براساس نوع جهان ممکن است که در بند شرط به آن اشاره می‌شود. در شرطی‌های با بند شرط حقیقی، موقعیت بند شرط به‌عنوان یک حقیقت تعبیر می‌شود، به‌گونه‌ای که بخشی از جهان واقعی را تشکیل می‌دهد. در این شرطی گوینده به درستی بند شرط در جهان واقعی معترف است و جهان ممکن حقیقی به موقعیتی اشاره می‌کند که یا روی داده است و یا در حال روی دادن است؛ مانند «اگر من مشکلی داشتم، همیشه پیش مادربزرگم می‌رفتم». در این جمله گوینده درباره‌ی موقعیتی صحبت می‌کند که در واقعیت بارها و بارها رخ داده است و گوینده به درستی آن اذعان دارد (دکلرک و رید، ۲۰۰۱: ۶۵-۶۶). در حالی که در شرطی‌های با بند شرط نظری، بند شرط درباره‌ی یک موقعیت فرضی صحبت می‌کند و جهان ممکن نظری موقعیتی دارد که در ذهن گوینده است و بنابراین جهانی نظری می‌سازد. طبق نظر دکلرک و رید، یک شرطی که بند شرط آن به جهان نظری اشاره می‌کند، اگر هیچ‌گونه ارتباطی با جهان واقعی نداشته باشد، از نوع نظری خنثی یا به‌طور خلاصه خنثی خواهد بود. گوینده‌ای که از شرطی خنثی استفاده می‌کند، هیچ‌گونه فرض یا از پیش‌انگاری درباره‌ی احتمال شبیه بودن جهان نظری با جهان واقعی ندارد؛ مانند «اگر خانی سابقه‌ی سرطان در خانواده‌اش وجود دارد، هر سال باید مورد بررسی قرار گیرد». در این جمله گوینده هیچ از پیش‌انگاری درباره‌ی مطابقت این موقعیت با دنیای واقعی ندارد؛ به‌عبارت دیگر وی نمی‌داند که آیا در واقعیت چنین خانی با این مشخصات ممکن است وجود داشته باشد یا خیر و صرفاً یک فرض است که در صورت وجود چنین شخصی چه اقداماتی باید انجام دهد (دکلرک و رید، ۲۰۰۱: ۷۲-۶۷). از طرف دیگر اگر گوینده از شرطی با بند شرط غیرخنثی استفاده کند، در این صورت بند شرط از پیش‌انگاری درباره‌ی میزان شباهت جهان نظری به جهان واقعی دارد. این بدان معناست که تا چه میزان شرط در جهان واقعی می‌تواند درست باشد. با توجه به میزان این احتمال می‌توان به چهار نوع شرطی نظری غیرخنثی اشاره کرد که در آنها از پیش‌انگاری مطابقت موقعیت بند شرط با جهان واقعی می‌تواند درست، احتمالاً درست، غیرمحمتمل و غلط باشد که به ترتیب به آنها شرطی بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی اطلاق می‌شود. از نظر آنها (همان: ۹۳-۹۱) در شرطی با جهان ممکن بسته، گوینده فرض می‌کند موقعیت بند شرط در جهان واقعی درست است. بنابراین در شرطی‌های با بند شرط بسته، بند شرط به‌عنوان یک حقیقت شناخته شده نیست، بلکه فرض می‌شود که در جهان واقعی درست است؛ مانند «اگر شما چیزی درباره‌ی این موضوع می‌دانید، به من بگویید». که در این جمله از پیش‌انگاری گوینده آن است که مخاطبش از موضوع مورد بحث مطلع است و بنابراین از وی می‌خواهد که او را نیز در جریان قرار دهد. اگر مطابقت جهان ممکن بند شرط با جهان واقعی

1. neutral
2. nonneutral
3. closed
4. open
5. tentative

مشخص نباشد، جهان ممکن بند شرط باز خواهد بود؛ یعنی درباره‌ی مطابقت جهان ممکن و جهان واقعی نه قطعیت وجود دارد، نه محتمل است و نه غیرمحتمل؛ مانند «اگر قطار دیر برسد، ما قرار ملاقاتمان را از دست خواهیم داد». در این جمله گوینده درباره‌ی دیر رسیدن یا نرسیدن قطار قطعیتی ندارد، اما احتمال آن وجود دارد که قطار دیر برسد و وی از پیامد دیر رسیدن قطار آگاه است. همان‌طور که دکلرک و رید (همان: ۹۸-۹۳) به آن اشاره کرده‌اند، در جهان ممکن غیرقطعی، تطابق جهان ممکن بند شرط با جهان واقعی غیرمحتمل است، اما غیرممکن نیست. در واقع در این نوع شرطی، بیشتر احتمال دارد که موقعیت بند شرط در جهان واقعی غلط باشد؛ مانند «اگر او استعفا می‌داد، خوشحال می‌شدم». در این جمله از پیش‌انگاری گوینده آن است که شخص مورد نظرش به احتمال زیاد استعفا نخواهد داد، اما با این وجود احتمال استعفای او هرچند ضعیف، اما وجود دارد. در نهایت (دکلرک و رید، ۲۰۰۱: ۹۹) جمله‌ی شرطی‌ای که در آن فرض شود جهان نظری بند شرط در تقابل با حقیقت است؛ یعنی کاملاً با جهان واقعی متفاوت است، شرطی با بند شرط ضدحقیقی خواهد بود مانند: «من اگر به جای تو بودم، هرگز با آنها نمی‌رفتم». در این جمله گوینده فرضی مطرح می‌کند که در جهان واقعی اصلاً نمی‌تواند به وقوع پیوندد و آن فرض، قرار گرفتن خودش به جای مخاطبش است. بنابراین این جمله که در تقابل با واقعیت است شرطی از نوع ضدحقیقی است.

#### ۴- روش‌شناسی

با توجه به اینکه در این مقاله در پی بررسی انواع کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو هستیم و چارچوب نظری مستند چارچوبی رده‌شناختی است، نیاز به پیکره‌ای از متون منشور قرون چهارم تا چهاردهم هجری قمری داشتیم؛ چراکه طبق نظر ارناسکی<sup>۱</sup> زبان‌های ایرانی نو آن دسته از زبان‌هایی هستند که از نظر تاریخی از قرن‌های دوم و سوم قمری یا هشتم و نهم میلادی، که آغاز نگارش آنها به خط عربی است، شروع می‌شوند. آغاز این دوره هم‌زمان با فتح عرب و گسترش اسلام و رواج خط عربی است. در قرن‌های اول و دوم هجری یا هفتم و هشتم میلادی، زبان فارسی جانشین گویش‌های ایرانی شمال‌غربی شد و به‌طور وسیعی در ایران غربی و خراسان گسترش یافت. پس از فتح عرب، برای نگارش فارسی از خط عربی که چند نشانه‌ی خاص آواهای ویژه‌ی فارسی به آن افزوده شده بود، استفاده شد. این زبان که به خط عربی نوشته می‌شود و در منابع به نام پارسی، فارسی یا پارسی دری شناخته شده است، در نوشته‌های علمی به فارسی نو معروف شده است (ارناسکی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۳). بنابراین از هریک از قرون تعداد ۱۰ کتاب از نویسندگان مختلف و از هر کتاب تعداد ۵۰۰۰ واژه به‌صورت تصادفی انتخاب شد. به منظور دست‌یابی و آشنایی با نویسندگان متون قرن‌های مختلف، از کتاب‌های تاریخ ادبیات استفاده کردیم. به این منظور آثاری مانند «تاریخ ادبی ایران» نوشته‌ی ادوارد برون<sup>۲</sup>، «تاریخ ادبیات فارسی» نوشته‌ی هرمان اته<sup>۳</sup>، «تاریخ ادبیات در

1. I. M. Oranski  
2. Broene, E  
3. Hermann, E. C

ایران» نوشته‌ی ذبیح‌الله صفا و «هزار سال نثر پارسی» نوشته‌ی کریم کشاورز، مورد بررسی قرار گرفت. پس از استخراج نام نویسندگان و کتاب‌ها به اصل هریک از کتاب‌ها مراجعه کردیم و از هر کتاب به‌طور متوسط و به‌صورت تصادفی ۳۰ صفحه از بخش‌های مختلف کتاب بررسی و جملات شرطی آنها استخراج شد. کتاب‌های منتخب، اغلب از ژانرهای مختلفی بوده‌اند که می‌توان به انواع کتب فلسفی، تاریخی، داستانی، علمی، ادبی، منطقی، جغرافیایی، مذهبی و تفاسیر قرآن اشاره کرد. فهرست کتاب‌های مورد بررسی در پیوست مقاله آورده شده است. بنابراین پیکره‌ی حاصل مشتمل بر ۱۱۰ کتاب و تعداد تقریبی ۵۵۰۰۰۰ واژه بود که با استخراج جملات شرطی در این پیکره به ۳۶۴۸ جمله‌ی شرطی دست یافتیم. از این تعداد جمله‌ی شرطی بیش از ۸۵ درصد از جملات، جملاتی بودند که در ابتدای بند شرط آنها از کلمه‌ای ربطی به‌عنوان کلمه‌ی ربط شرطی استفاده شده بود و ۱۵ درصد از جملات شرطی، جملات شرطی غیرمتعارف بودند که از این تعداد نیز در حدود ۱۲ درصد جملاتی بودند که از کلمه‌ی ربط شرطی به منظور نشان‌دار کردن ساخت شرطی استفاده نکرده بودند. در این مقاله به بررسی آن تعداد از جملات شرطی پرداخته‌ایم که از کلمه‌ی ربط شرطی استفاده کرده‌اند. بنابراین همان‌طور که از داده‌ها مشخص است در زبان فارسی نو همانند بسیاری از زبان‌ها، گرایش غالب ساخت‌های شرطی در به‌کار بردن کلمات ربط شرطی است. در بخش بعد به بررسی این کلمات خواهیم پرداخت.

## ۵- تحلیل داده‌ها

در هر زبان می‌توان به انواع مختلفی از کلمات ربط شرطی برای نشان‌دار کردن ساخت شرطی، دست یافت که این انواع اغلب در بسامد وقوع و کاربرد با یکدیگر متفاوت هستند، اما در هر زبان اغلب یک یا چند مورد از انواع کلمات ربط شرطی بسامد وقوع بالاتری نسبت به دیگر انواع دارند و به‌عبارت دیگر می‌توان گفت بی‌نشان‌ترین کلمه‌ی ربط شرطی در آن زبان هستند. در این مقاله با بررسی جملات شرطی پیکره به این نتیجه رسیدیم که علاوه بر کلمه‌ی ربط شرطی «اگر» که رایج‌ترین کلمه‌ی ربط شرطی در زبان فارسی است، انواع دیگری از کلمات ربط نیز می‌توانند در نقش کلمه‌ی ربط شرطی به‌کار روند و جمله‌ی شرطی را نشان‌دار کنند. در داده‌های پیکره‌ی مقاله‌ی حاضر، کلمات ربطی که در نقش کلمه‌ی ربط شرطی به‌کار رفته‌اند عبارت‌اند از: «اگر، اگرچه، اگر نه، آگاه، آنگاه که، بر آن قرار که، بر فرضی که، به شرطی که، به شرط اینکه/ آنکه، به مجرد اینکه، به‌روقت/ به‌روقتی، تا، چنانچه، چنانکه، چندان که، چون، چه...چه، حتی اگر/ آگاه، در صورتی که، فرضاً، کاشکی، که، گر، مادام که، مشروط بر آنکه، و آلا، وقتی، وقتی که، وگرنه، ولو، هر آنگاه/ آنگه که، هر چگاه، هر گاه، هر گاه/ گه که، هر وقت، هر وقت که، همین که و همچنین که». در هریک از جملات زیر یکی از این کلمات ربط به‌عنوان کلمه‌ی ربط شرطی به‌کار رفته‌اند که در هر مورد آن کلمه با حروف ضخیم نشان داده شده است. نوع جهان ممکن شرطی یا به‌طور خلاصه نوع شرطی هر یک از جملات نیز در جلوی آن جمله و در داخل [] قرار گرفته است:

۱. اگر تو را می‌کشتند من چه می‌کردم (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۵۳۵)؟ [ضدحقیقی]

۲. شک نیست که اگرچه مطاوعت به خدمت پیوسته شود، جمله را اقطاع و نان فراخور هریک بلکه زیادت از آن فرموده آید (قاضی منهج، ۱۳۹۱: ۵۳۰) [باز].
۳. از همچو منی بدین راضی باش و برگرد و اگر نه شست دست من بین و تیری دیگر انداخته یک وجب در سنگ خاره نشست (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۹۴) [بسته].
۴. آگه زندگی سگام بشه اسمشو بزاری باید سگی رو بگی که زنجیرشو وسط لجن کوبیده باشن (شهری، ۱۳۴۷: ۴۵) [غیرقطعی].
۵. آنگاه که آن چیزی را که نمی‌دانم چیست نابود کردی چه می‌شود (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۹۶)؟ [باز].
۶. تاج الدین آستین جد و جهد باز نوردید و رونقی با روی کار و رواجی با معامله‌ی بازار شیخ جمال الدین آورد بر آن قرار که او اقرار کند که هر سال صد هزار دینار رکنی از خراج هرموز به خزانه‌ی دارالملک رساند (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۲۱۸) [باز].
۷. بر فرضی که اراده‌ی هندوستان داشته باشم، رفتن من به آن صوب، تعذری ندارد (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۰۲) [بسته].
۸. بعد از سماجت بسیار میرزا ابراهیم راضی می‌شود به شرط اینکه هرکس را وی اختیار کند به جهت او خواستگاری نمایند (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۷۹) [بسته].
۹. بمجرد اینکه سرشان بسامانی رسید برای پوست گردویی تا بار دو میدوند (جمالزاده، ۱۳۳۳: ۲۲) [باز].
۱۰. بهر وقت قمر بر سمت راست و رجل باشد و آن عاشر و رابع است، آب در غایت مد باشد (قبادیانی، ۱۳۳۵: ۱۱۷) [خنثی].
۱۱. سنت شیخ آن بوده است که تا نماز خفتن نکردی طعام نخوردی (خرقانی، ۱۳۵۴: ۱۴۵) [حقیقی].
۱۲. چشمه‌ایست خراب که پیوسته چون دیده‌ی ظالم بی‌آب می‌باشد چنانچه اندک آب در آن ظاهر شود در هوا رود (پیشاوری، ۱۳۴۱: ۱۱۴) [غیرقطعی].
۱۳. چنانکه هر که از راه فارس براه خوزستان بدریا رود عبورشان بر آنجا بود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۵۷) [خنثی].
۱۴. چندان که مدارا بیش کنی مخالفت زیادت کند (سعدی، ۱۳۸۳: ۱۴۸) [خنثی].
۱۵. گفتم تو هنوز طفلی چون به حد رشد و تمیز برسی ترا نیز تعلیم می‌دهند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۹) [بسته].
۱۶. مدیر چه تو باشی چه هر خر دیگر، چه فرقی می‌کند (آل احمد، ۱۳۴۵: ۱۶۵)؟ [باز].
۱۷. زن بدبخت خلق شده، حتی اگر دختر پادشاه باشد (بهنود، ۱۳۸۶: ۵۶) [خنثی].
۱۸. در صورتی که تو چنین همتی بکنی ما هم اهمال نخواهیم کرد (خسروی، ۱۳۷۴: ۵۱۸) [باز].
۱۹. گفت فرضاً هم که رضا قورتکی بدنیا نیامده باشد و برای مقصودی خلق شده باشیم گمان نمی‌کنم مربوط بسرکار عالی و بنده‌ی شرمنده باشد (جمالزاده، ۱۳۳۳: ۲۷۰) [بسته].



۲۰. **کاشکی** من هرگز کاتب نبودمی تا دوستی با چندین علم و فضل بخط من کشته نشدی (عنصرالمعالی، ۱۳۳۵: ۱۹۰) [حقیقی].
۲۱. مثل قاطر خسه جای شاش که ببینن پهاشونو گشاد میذارن (شهری، ۱۳۴۷: ۳۱۴) [باز].
۲۲. **گر بکشی حاکمی** (اردلان، ۱۳۵۶: ۴۵) [باز].
۲۳. **مادام که** این شتر در میان شما باشد عذاب الهی نازل نگردد (حسینی خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۸) [باز].
۲۴. از حضرت موسی دفع آن بلیه را مسألت مینمود **مشروط بر آنکه** شریعت او را متابعت کرده دست تطاول از بنی اسرائیل کوتاه گرداند (خواوندشاه، ۱۳۳۸: ۲۶۴) [باز].
۲۵. البته خلق کسی را اشتباه نموده خواهند بود **وآل** چه احتمال دارد که او از چنین سفری برگردد (فراهی، ۱۳۳۶: ۴۰۰) [بسته].
۲۶. **وقتی** می‌دیدمش حالم خوش بود (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۳۲۴) [حقیقی].
۲۷. گفت کمال الدین **وقتی** که مهمانان بیشتر آیند آب را بیشتر باید کردن تا بسنده کند (افلاکی، ۱۳۶۲: ۱۸۱) [باز].
۲۸. دشوار حال مرا به احسان آسان فرما **وگر نه** آهی از دل آتش گرفته‌ی خود چنان برآرم که چهره‌ی سفید روز از آن سیاه کنم (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۱۴۷) [باز].
۲۹. هریک از زنان حاضر باید چیزی به ماما بدهند **ولو** یک سوزن و سنجاق هم باشد (خوانساری، ۱۳۵۵: ۶۲) [بسته].
۳۰. **هرآنکه** که بخار دخانی اندر زیرزمین تولد کند، و مجری نیابد که به هوا پیوندد و برودت برو رسد، مادت حرارت از او منقطع شود (اسفزاری، ۱۳۵۶: ۵۱) [خنثی].
۳۱. **هرچگاه** خدای تعالی ترا زر و درم رساند بدان که ارادت حق آن است که تا هر چه ترا باید بخری (باخرزی، ۱۳۸۳: ۳۳۷) [باز].
۳۲. **هرگاه** این تیر را بنشان بفرستم نزد خیل خود ده هزار مرد دیگر بیابند (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۱۲) [باز].
۳۳. **هرگاه** که از مردمی فضولها جدا کنی معنی کلی بماند (ابوعلی سینا، ۱۳۳۱: ۱۲۴) [خنثی].
۳۴. **هروقت** هیجان مردم بیشتر می‌شد دولت عمداً آشوبی در خارجه برپا می‌کرد (طالوف، ۱۳۵۶: ۲۰۰) [حقیقی].
۳۵. **هروقت** که فرصت مییافت بمیان اولکای او درمی‌آمد (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۳۹) [حقیقی].
۳۶. چنین تصور می‌کنند که ایرانی در وقت تنگ تعهد هر کاری را که بکند **همین** که کارش گذشت و فراغتی یافت فراموش می‌کند (قائم مقامی، ۱۳۵۹: ۴۴) [خنثی].
- پس از تعیین نوع هریک از جملات شرطی پیکره، بسامد وقوع هریک از انواع کلمات ربط شرطی در جملات پیکره را مشخص کردیم. در جداول ۱ و ۲ زیر بسامد وقوع هریک از این کلمات در قرون مختلف نشان داده شده‌است:



جدول ۲: بسامد وقوع کلمات ربط شرطی «در صورتی که، فرضاً، ... هروقت که و همین / همچنین که» در قرون مختلف

مجموع	قرن											کلمه‌ی ربط
	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	
۲	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	در صورتی که
۱	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	فرضاً
۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	کاشکی
۵۱	۳	۲	۲	۲	-	۵	۸	۸	۷	۶	۸	که
۶۶	-	۲	-	-	-	-	-	۶	-	۱۳	۴۵	گر
۱۱	-	۱	۴	۱	۱	۱	-	۳	-	-	-	مادام که
۵	-	-	-	۱	۲	۲	-	-	-	-	-	مشروط بر آنکه
۵۹	۱	۱۶	۱۲	۳	۸	۷	۵	۳	۱	۱	۲	والأ
۱۴	۹	۱	۱	-	-	-	۱	۲	-	-	-	وقتی
۱۱	۱	۱	۳	۱	-	۱	۱	۱	-	۲	-	وقتی که
۱۸	۷	۴	-	-	۱	۱	۲	۲	-	۱	-	وگرنه
۲	۱	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	ولو
۴	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	۳	-	هر آنگاه/ آنکه که
۴	-	-	-	-	-	-	۴	-	-	-	-	هر چگاه
۱۰۶	-	۲۹	۳۸	۱۹	۸	۳	۲	۱	۳	۲	۱	هرگاه
۵۱	-	-	-	۱	۱	۱۱	۵	۱۰	۱۲	۵	۶	هرگاه / گه که
۹	۸	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	هروقت
۶	-	-	۲	-	۲	-	-	-	۱	-	۱	هروقت که
۴	۲	۱	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	همین / همچنین که

همان‌طور که از جدول‌های ۱ و ۲ مشخص است، کلمات ربط شرطی که در همه‌ی قرون، از قرن چهارم تا چهاردهم هجری در داده‌ها وجود داشتند عبارت‌اند از: کلمات ربط «اگر و والأ». به‌جز این کلمات ربط هیچ

کدام از انواع دیگر در همه‌ی قرون مشترک نبودند و حداقل در یکی از قرون در داده‌ها مشاهده نشده‌اند. کلمات ربطی که در همه‌ی قرن‌ها به‌جز یک قرن مشترک بودند، عبارت‌اند از: «به‌شرطی که، تا، چون، که و هرگاه» که هر یک از این کلمات در همه‌ی قرون وجود داشتند به‌جز قرن‌های به‌ترتیب پنجم، دهم، چهاردهم. کلمات ربطی که در داده‌های قرن چهارم هجری وجود داشت و در قرن‌های بعد نیز در بعضی قرون مشاهده شده‌اند و در بعضی خیر عبارت‌اند از: «اگر، اگر نه، به‌شرطی که، به‌روقت/ به‌روقتی، تا، چون، که، گر، و آلا، هرگاه، هرگاه که و هر وقت که». حال می‌توان کلمات ربطی که در داده‌های قرون پنجم به بعد مشاهده شده‌اند را تفکیک کرد تا ازین منظر پی به زمان تقریبی کاربرد کلمه‌ی جدید در مقام کلمه‌ی ربط شرطی برد. البته آنچه لازم به تذکر است این است که همه‌ی نتایج به‌دست آمده براساس داده‌های پیکره هستند و ممکن است با بررسی‌های بیشتر و انتخاب پیکره‌ای بزرگ‌تر این نتایج دستخوش تغییر قرار گیرند. در جدول ۳ ظهور هر یک از کلمات ربط در نقش کلمه‌ی ربط شرطی در قرون مختلف نشان داده شده‌است. در این جدول که از قرن پنجم ترسیم شده است، کلمات ربطی وجود دارند که در داده‌های قرن چهارم مشاهده نشده بودند و هر یک در یکی از قرون بعدی برای اولین بار در داده‌های پیکره در نقش کلمه‌ی ربط شرطی به‌کار رفته‌اند. البته ظهور هر یک از این کلمات در هر قرن به معنای وجود آن در قرن‌های آتی‌اش نیست و طول عمر هر یک از این کلمات را می‌توان در جدول‌های ۱ و ۲ مشاهده کرد. در جدول ۳ علامت \* به‌معنای ظهور آن کلمه‌ی ربط در نقش کلمه‌ی ربط شرطی در قرن مطابق با آن است. با دقت در داده‌های این جدول می‌توان گفت در همه‌ی قرون به‌جز قرن‌های دهم و یازدهم، بروز کلمه‌ی ربط جدید در نقش کلمه‌ی ربط شرطی روی داده است و در قرن‌های پنجم و هفتم تعداد کلمات ربط جدید نسبت به سایر قرن‌ها بیشتر بوده است. کاربرد کلمات ربط «برفرضی که، ولو، همین / همچنین که، بمجرد این‌که، در صورتی که، هر وقت، اگه، آنگاه که و فرضاً» در نقش کلمه‌ی ربط شرطی پدیده‌ای متأخر است که در قرون دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم روی داده است.

جدول ۳: ظهور کلمات ربط جدید در نقش کلمه‌ی ربط شرطی در قرن‌های مختلف

قرن										کلمه‌ی ربط
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	
									*	چنانکه
									*	کاشکی
									*	وقتی که
									*	وگرنه
									*	هرآنگاه / آنکه که
								*		چندان که
							*			اگرچه
							*			برآن قرار که
							*			مادام که
							*			وقتی
						*				هرچگاه
					*					چنانچه
					*					مشروط بر آنکه
		*								بر فرضی که
		*								ولو
		*								همین / همچین که
	*									بمجرد اینکه
	*									در صورتی که
	*									هروقت
*										اگه
*										آنگاه که
*										فرضاً

در جدول‌های ۴ و ۵ بسامد وقوع هریک از انواع کلمات شرطی با هر یک از انواع جهان‌های ممکن شرط مشاهده می‌شود:

جدول ۴: بسامد وقوع کلمات ربط شرطی «اگر، اگرچه، ...، چه... چه و حتی اگر/اگه»  
با هریک از انواع جهان‌های ممکن

نوع ساخت شرطی							کلمه‌ی ربط شرطی
مجموع	ضدحقیقی	غیرقطعی	باز	بسته	خنثی	حقیقی	
۱۸۷۱	۱۲۴	۷۱	۹۸۹	۳۴۶	۲۲۶	۱۱۵	اگر
۳	-	-	۲	۱	-	-	اگرچه
۳۱	-	-	۱۷	۲	-	۱۲	اگرنه
۳۷	۵	۵	۱۲	۶	۶	۳	اگه
۱	-	-	۱	-	-	-	آنگاه‌که
۱	-	-	۱	-	-	-	برآن قرار‌که
۳	-	-	-	۳	-	-	بر فرضی‌که
۲۶	-	-	۲۰	۵	۱	-	به شرطی‌که / به شرط اینکه، آنکه
۲	-	-	۱	-	۱	-	به‌مجرد اینکه
۲	-	-	۱	-	۱	-	بهروقت / بهروقتی
۹۲	-	۳	۴۷	۱۰	۲۵	۷	تا
۱۵	-	۱	۶	۱	-	۷	چنانچه
۶	-	-	۲	-	۴	-	چنانکه
۷	-	-	۲	۱	۴	-	چندان‌که
۶۲۷	۳	۵	۲۸۶	۹۶	۲۲۴	۱۳	چون
۲	-	-	۲	-	-	-	چه...چه
۶	-	۱	۳	-	۲	-	حتی‌اگر / اگه

جدول ۵: بسامد وقوع کلمات ربط شرطی «در صورتی که، فرضاً، ... و همین / همچنین که»  
با هریک از جهان‌های ممکن شرط

مجموع	نوع ساخت شرطی						کلمه‌ی ربط شرطی
	ضدحقیقی	غیرقطعی	باز	بسته	خنثی	حقیقی	
۲	-	-	۲	-	-	-	در صورتی که
۱	-	-	-	۱	-	-	فرضاً
۱	-	-	-	-	-	۱	کاشکی
۵۱	-	-	۱۵	۵	۳۱	-	که
۶۶	۱	۱	۳۰	۶	۲۵	۳	گر
۱۱	-	-	۷	-	۴	-	مادام که
۵	-	-	۵	-	-	-	مشروط بر آنکه
۵۹	۴	۱	۴۲	۱	۳	۸	والاً
۱۱	-	-	۶	۱	۳	۱	وقتی که
۱۴	-	-	۳	۳	۶	۲	وقتی
۱۸	۲	-	۹	-	۲	۵	وگرنه
۲	-	-	-	۲	-	-	ولو
۴	-	-	-	-	۴	-	هر آنگاه / آنکه که
۴	-	-	۳	-	۱	-	هر چگاه
۱۰۶	۳	۱	۴۶	۲۷	۲۰	۹	هر گاه
۵۱	-	-	۱۵	۲	۲۶	۸	هر گاه / گه که
۹	-	-	۱	-	۲	۶	هروقت
۶	-	-	۲	-	-	۴	هروقت که
۴	-	-	۲	-	۲	-	همین / همچنین که

نگارنده به منظور بررسی رابطه‌ی بین انواع جهان‌های ممکن و انواع کلمات ربط شرطی از تحلیل‌های آماری و محاسبات آماری استفاده کرده است. منظور از رابطه‌ی بین جهان‌های ممکن و کلمات شرط این است که ببینیم احتمال اینکه جمله‌ای شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی مشخصی، هر یک از انواع شرطی باشد چقدر است. به عبارت دیگر به دنبال آن هستیم که مثلاً اگر جمله‌ای شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «اگر» داشته باشیم، احتمال اینکه این جمله از نوع شرطی حقیقی باشد چقدر خواهد بود. برای رسیدن به این هدف براساس تحلیل‌های آماری باید از احتمال شرطی استفاده کرد. فروند<sup>۱</sup> (۱۳۸۵) برای نمایش احتمال شرطی پیشامد A نسبت به فضای S یا آنچه آن را «احتمال A به شرط S» می‌نامد، از نماد  $P(A|S)$  استفاده

می‌کند و احتمال شرطی B به شرط A برابر است با احتمال روی دادن اشتراک A و B تقسیم بر احتمال روی دادن A که به صورت فرمول ریاضی زیر نمایش داده می‌شود (فروند، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۱):

$$P(B|A) = P(A \cap B) / P(A)$$

به منظور بررسی رابطه‌ی بین انواع شرطی و کلمات ربط شرطی از محاسبات آماری فوق استفاده کردیم و همه‌ی محاسبات در نرم‌افزار اکسل انجام شد. از بین انواع کلمات ربط شرطی کلمات ربط شرطی با بسامد بالای پنجاه انتخاب شدند تا نتایج حاصل، تصویر روشن‌تری از رابطه‌ی آنها نشان دهند. بنابراین کلمات ربط «اگر، تا، چون، که، گر، هرگاه، هرگاه که و واً» برای این بررسی انتخاب شدند. در جدول ۶ نتایج حاصل از این محاسبات نشان داده شده‌اند:

جدول ۶: نتایج احتمال شرطی

کلمه‌ی ربط	نوع شرطی				
	حقیقی	خنثی	بسته	باز	غیرقطعی
اگر	۶,۱۴	۱۲,۰۷	۱۸,۴۹	۵۲,۸۵	۳,۷۹
تا	۷,۶۰	۲۷,۱۷	۱۰,۸۶	۵۱,۰۸	۳,۲۶
چون	۲,۰۷	۳۵,۷۲	۱۵,۳۱	۴۵,۶۱	۰,۷۹
که	۰	۶۰,۷۸	۹,۸۰	۲۹,۴۱	۰
گر	۴,۵۴	۳۷,۸۷	۹,۰۹	۴۵,۴۵	۱,۵۱
هرگاه	۸,۴۹	۱۸,۸۶	۲۵,۴۷	۴۳,۳۹	۰,۹۴
هرگاه/که	۱۵,۶۸	۵۰,۹۸	۳,۹۲	۲۹,۴۱	۰
واً	۱۳,۵۵	۵,۰۸	۱,۶۹	۷۱,۱۸	۱,۶۹

اعداد حاصل نشان‌دهنده‌ی احتمال هریک از انواع شرطی مشروط بر کلمه‌ی ربط شرطی مشخص است. به عنوان مثال احتمال اینکه جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «که» از نوع بسته باشد ۹,۸۰ درصد است و یا احتمال اینکه جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «هرگاه» از نوع ضدحقیقی باشد ۲,۸۳ درصد است. بنابراین براساس احتمالات محاسبه شده در جدول فوق به گرایش‌های مشخصی دست یافتیم که عبارت‌اند از:

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «اگر» باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و اگر باز نباشد، با احتمال نسبتاً زیاد از نوع بسته است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی باشد بسیار کم است.

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «تا» باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و اگر باز نباشد، با احتمال زیاد از نوع خنثی است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع حقیقی و غیرقطعی باشد بسیار کم است و احتمال اینکه از نوع ضدحقیقی باشد، صفر است.



✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «چون» باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع باز است و اگر باز نباشد، با احتمال زیاد از نوع خنثی است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی باشد بسیار کم است.

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «که» باشد، با احتمال بسیار زیاد شرطی از نوع خنثی خواهد بود و اگر خنثی نباشد، با احتمال زیاد از نوع باز است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع بسته باشد بسیار کم است و احتمال اینکه از نوع حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی باشد، صفر است.

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «گر» باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و اگر باز نباشد، با احتمال زیاد از نوع خنثی است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع حقیقی، غیرقطعی و ضدحقیقی باشد بسیار کم است.

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «هرگاه» باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و اگر باز نباشد، با احتمال زیاد از نوع بسته است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع غیرقطعی و ضدحقیقی باشد بسیار کم است.

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «هرگاه / گه‌که» باشد، با احتمال زیاد شرطی از نوع خنثی خواهد بود و اگر خنثی نباشد، با احتمال زیاد از نوع باز است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع غیرقطعی و ضدحقیقی باشد صفر است.

✓ اگر جمله‌ی شرطی با کلمه‌ی ربط شرطی «والا» باشد، با احتمال بسیار زیاد شرطی از نوع باز خواهد بود و اگر باز نباشد، با احتمال کم از نوع حقیقی است و احتمال اینکه جمله‌ی شرطی مذکور از نوع بسته و غیرقطعی باشد بسیار کم است.

بنابراین در کل می‌توان گفت از آنجاکه چارچوب نظری این پژوهش کاملاً بافت‌محور و مبتنی بر معنی است، اینکه بتوان بین نوع کلمه‌ی ربط شرطی و نوع جهان ممکن شرط رابطه‌ای دقیق و صددرصدی به‌دست آورد، ممکن نیست و فقط می‌توان در مورد هریک از انواع کلمات ربط به گرایش‌های مشخصی رسید.

## ۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی انواع کلمات ربطی پرداختیم که برای نشان‌دار کردن جمله‌ی شرطی و در نقش کلمه‌ی ربط شرطی در زبان فارسی نو به کار رفته‌اند. با بررسی پیکره‌بنیاد پانصد هزار واژه از ۱۱۰ کتاب مختلف از قرون چهارم تا چهاردهم هجری قمری به این نتیجه رسیدیم که در زبان فارسی نو علاوه بر کلمات شرطی رایج همانند «اگر، اگه، به شرطی که» انواع مختلفی از کلمات ربط همانند «تا، که، چون، هرگاه، ولو، فرضاً، همین‌که، آنگاه که، هروقت، مشروط بر آنکه، حتی اگر، کاشکی، در صورتی که و...» در این نقش به کار رفته‌اند. البته بسامد وقوع و کاربرد آنها طی قرون با یکدیگر متفاوت بوده است. از طرف دیگر محاسبات آماری نشان داده‌است که بین انواع کلمات ربط شرطی مذکور و جهان‌های ممکن شرط که

مشمول بر حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی و ضدحقیقی هستند گرایش‌های مشخصی وجود دارد و از نوع کلمه‌ی ربط شرطی می‌توان نوع جمله‌ی شرطی را با احتمال نسبتاً زیادی مشخص کرد.

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- ابوعلی سینا، حسین (۱۳۳۱)، *طبیعیات: دانشنامه‌ی علائی*، به تصحیح محمد مشکوه، تهران: انجمن آثار ملی.
- احمدزاده، حبیب (۱۳۸۶)، *شطرنج با ماشین قیامت*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ارانسکی، یوسیف (۱۳۸۶)، *زبان‌های ایرانی، ترجمه‌ی علی اشرف صادقی*، تهران: انتشارات سخن.
- اردلان، منوچهر (۱۳۵۶)، *لب التواریخ «تاریخ اردلان»*، تهران: انتشارات کانون خانواده‌ی اردلان.
- اسفزاری، مظفر بن اسماعیل (۱۳۵۶)، *رساله‌ی آثار علوی*، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- افلاکی عارفی، احمد (۱۳۶۲)، *مناقب العارفین*، به کوشش تحسین یازجی، تهران: دنیای کتاب.
- آل احمد، جلال (۱۳۴۵)، *مدیر مدرسه*، تهران: انتشارات کتاب‌های پرستو.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی (۱۳۸۳)، *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*، به تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بقایی، سیده عاطفه (۱۳۹۶ الف)، «جهان‌های ممکن بند شرط در کتاب «نیرنگستان»»، *دومین همایش ملی زبان‌شناسی نقش‌گرا*، ۱۵ و ۱۶ شهریورماه، دانشگاه بوعلی سینا، ۲۴-۲۵.
- بقایی، سیده عاطفه (۱۳۹۶ ب)، «ساخت صوری جمله‌های شرطی در قابوس‌نامه»، *چهارمین همایش متن‌پژوهی ادبی، آذرماه، تهران: سازمان اسناد و مدارک کتابخانه‌ی ملی ایران*، جلد چهارم، ۴۷۳-۴۸۳.
- بقایی، سیده عاطفه (۱۳۹۶ ج)، «بررسی ساخت صوری جمله‌های شرطی در کتاب «علویه خانم»»، *همایش ملی نگاهی نو به زبان و ادب عامه*، ۹ و ۱۰ اسفندماه، دانشگاه خلیج فارس، ۳۰۱-۳۱۰.
- بهنود، مسعود (۱۳۸۶)، *خانوم*، تهران: نشر علمی.
- پیشاوری (۱۳۴۱)، *نگارستان عجائب و غرائب*، به کوشش محیط طباطبایی، تهران: کتابفروشی ادبیه ناصر خسرو.
- *تاریخ شاهی* (۱۳۵۵)، به تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۳۳)، *دارالمجانین*، تهران: کانون معرفت.
- حسینی خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۳)، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران: خیام.
- خرقانی، شیخ ابوالحسن (۱۳۵۴)، *نورالعلوم*، تهران: کتابخانه‌ی طهوری.
- خسروی، محمد باقر (۱۳۷۴)، *شمس و طغرا*، تهران: چاپ فجر اسلام.
- خوانساری، آقاجمال (۱۳۵۵)، *کلیثوم ننه*، تهران: انتشارات مروارید.
- خواندشاه، میرمحمد (۱۳۳۸)، *روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا*، به تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: انتشارات مرکزی خیام پیروز.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۳)، *کلیات سعدی*، به تصحیح بها‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان.

- ۱۱۱
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به کوشش عبدالحسین نوایی، جلد اول، دفتر دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهری، جعفر (۱۳۴۷)، *شکر تلخ*، تهران: انتشارات ظهیرالاسلام.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، *کتاب/ احمد*، تهران: افست چاپخانه فاروس ایران.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۳۵)، *قابوس‌نامه*، به تصحیح امین عبدالمجید بدوی، تهران: ابن سینا.
- فراهی، میرزا برخوردار (۱۳۳۶)، *محبوب القلوب*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- فروند، جان (۱۳۸۵)، *آمار ریاضی*، ترجمه‌ی علی عمیدی و محمدقاسم وحیدی اصل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاضی منهج سراج، محمد (۱۳۹۱)، *طبقات ناصری*، کابل: بنیاد فرهنگ جهانداران غوری.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۹)، *نامه‌های پراکنده‌ی قائم مقام فراهانی*، تهران: زر.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۳۵)، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات کتابفروشی زوار.
- قزوینی، یحیی (۱۳۶۳)، *لب التواریخ*، تهران: انتشارات بنیاد و گویا.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸)، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه‌ی مهدی سمائی، تهران: نشر مرکز.
- مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۸۴)، *شما که غریبه نیستید*، تهران: معین.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳۶)، *نزه القلوب*، به تصحیح محمد دبیر سیاقی.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، «کاربرد «که» در فارسی گفتاری»، *نامه‌ی فرهنگستان*، شماره‌ی ۳، ۷-۱۹.
- نصیری، محمدابراهیم (۱۳۷۳)، *دستور شه‌ریاران*، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران: انتشارات دلارنگ.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، *سلجوقنامه*، تهران: گلاله خاور.
- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض الشعراء*، به تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۴)، «جمله‌های شرطی در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی*، سال دوم، شماره‌ی دوم، ۴۳-۵۶.
- Athanasiadou, A. & Dirven, R. (1997), "Conditionality, hypotheticality, counterfactuality", In: *On Conditionals again*. Eds. By Angeliki Athanasiadou & Rene Dirven, Amsterdam/ Philadelphia, John Benjamins Publication.
- Declerck, R. & Reed, S. (2001), *Conditionals: A comprehensive Empirical Analysis*, Berlin, Eds. Traugott, E. C. & Kortmann, B. New York, Mouton de Gruyter.
- Fintel, K. V. (2011), "Conditionals", In *Semantics: An international handbook of meaning*, Vol 2. Eds. By Klaus von Heusinger, Claudia Maienborn & Paul Portner, Berlin/ Boston, de Gruyter Mouton.
- Greenberg, J. H. (1993), "Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements", In *Universals of Language*. Ed. Joseph H. Greenberg, Pp. 73-113, Cambridge, Mass, MIT Press.
- Murcia, Celce. M. & Freeman, Larsen. D. (1999), *The Grammar Book: An ESL/EFL Teacher's Course* (2<sup>nd</sup> edition), New York, Heinle and Heinle.
- Schachter, Jacquelyn. (1971), *Presupposition and counterfactual conditional sentence*, Ph. D. dissertation, University of California, Los Angeles.

## پیوست

قرن	منابع پیکره
۴	شرح التعرف لمذهب التصوف، الابنیه عن حقایق الادویه، هدايه المتعلمين في الطب، تاريخ بلعمی، تفسیر قرآن کمبریج، ترجمه ی تفسیر طبری، حدود العالم من المشرق الى المغرب، بخشی از تفسیری کهن، نورالعلوم، تفسیر قرآن پاک.
۵	سیر الملوک (سیاست‌نامه)، زین الاخبار: تاریخ گردیزی، سفرنامه، رساله‌ی آثار علوی، تاریخ بیهقی، التفهیم، قابوس‌نامه، کشف المحجوب، طبیعیات: دانشنامه علائی، نوروزنامه.
۶	سمک عیار، التصفیه فی احوال المتصوفه: صوفی‌نامه، روضه المذنبین و جنه المشتاقین، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، لمعه السراج لحضره التاج: بختیارنامه، چهار مقاله، فارسنامه، سلجوقنامه، مقامات حمیدی، کلیله و دمنه.
۷	تاریخ جهانگشای جوینی، مرزبان‌نامه، تاریخ رویان، لطائف الحکمه، مشارق الدراری: شرح تأثیه ابن فارض، نوادر التبادر البهادر، طبقات ناصری، تاریخ شاهی، مکتوبات، کلیات سعدی.
۸	طوطی‌نامه، نزله القلوب، تاریخ بناکتی: روضه الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب، مناقب العارفين، جامع التواریخ، کلیات عبید زاکانی، رساله‌ی سپهسالار در احوال مولانا جلال الدین مولوی، تاریخ و صاف، مجمع الانساب، اوراد الاحباب و فصوص الاداب.
۹	ظفرنامه: تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی، تذکره الشعراء، روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفاء، داراب‌نامه، مطلع سعدین و مجمع بحرین، بهارستان، زبده التواریخ، جواهر الاسرار و زواهر الانوار، روضه الشهدا، تاریخ گیلان و دیلمستان.
۱۰	بدایع الوقایع، تاریخ نگارستان، شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، جواهر الاخبار، لب التواریخ، احسن التواریخ، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، حبیب السیر، تحفة سامی، حدیقة الشیعه.
۱۱	تاریخ مازندران، ذیل تاریخ عالم امرای عباسی، زینت المجالس، جامع مفیدی، قصص الخاقانی، احیا الملوک، کلمات الصادقین، مجالس المؤمنین، منتخبات آثار، نگارستان عجائب و غرائب.
۱۲	سفارت‌نامه خوارزم، کلثوم ننه، تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی، زبده التواریخ، دستور شهریاران، تذکره ریاض الشعراء، شرح معالم الاصول، تاریخ جهانگشای نادری، محبوب القلوب، فرهنگ عقاید شیعه.
۱۳	کتاب احمد، ناسخ التواریخ: زندگانی پیامبر، تاریخ گیتی‌گشا، عرفان الحق، تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری، نامه‌های پراکنده‌ی قائم مقام فراهانی، شمس و طغرا، پریشان، مجمع التواریخ، لب التواریخ «تاریخ اردلان».
۱۴	دارالمجانین، شطرنج با ماشین قیامت، خانوم، دختر دانی پروین، دخیل بر پنجره‌ی فولاد، چشم‌هایش، شما که غریبه نیستید، مدیر مدرسه، شکر تلخ، سفر.